



Sociological Explanation of the Fair Distribution of Resources and Wealth in the Perspective of the Qur'ān

Seyyed Mohsen Mirsondosī¹ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Qur'ānic Studies and Social Sciences, Institute for Islamic Civilization Studies, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Mashhad, Iran. Email: m.sondosi@isca.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 12 November 2024

Received in revised form 7 December 2024

Accepted 27 January 2025

Available online 6 February 2025

Keywords:

Qur'ān, Fair Distribution, Economic Resources, Social Justice, Positive Factors, Negative Factors.



ABSTRACT

The intellectual systems designed for the leadership of humankind and the construction of both the individual and society each propose specific plans and programs tailored to their societal and social contexts. A fundamental component of these systems is the method of distributing valuable resources within the society in question. This paper, with the objective of providing a sociological examination of the fair distribution of resources and wealth from the perspective of the Qur'ān, primarily addresses the question of what factors and obstacles can be inferred from the Qur'ānic verses concerning the fair distribution of resources and their impact on social justice. Furthermore, from a sociological standpoint, how these factors contribute to the realization of social justice and the ideal society envisioned in the Qur'ān is analyzed. The research methodology of this study is qualitative analysis, discovering themes related to the issue based on a framework of sociological concepts and direct reference to the Qur'ānic verses. The findings of the research present a model of positive and negative factors, identified as both the foundations and barriers for fair distribution. The positive factors include the promotion of a culture of charity (Arabic: صدقة, Romanized: ṣadaqah), trust-building in economic exchanges, attention to the belief in God as the provider (Arabic: رزاق, Romanized: razāq), and the payment of zakat (Arabic: زكاة, Romanized: zakāt), all of which are recognized as key enablers of fair wealth distribution. Conversely, negative factors such as the promotion of unhealthy lifestyles, neglect of the needs of the underprivileged, the unequal accumulation of wealth, and wastefulness (Arabic: إسراف, Romanized: isrāf) were highlighted as significant obstacles to achieving social justice.

The results demonstrate that Qur'ānic teachings clearly emphasize the importance of cooperation and mutual assistance within society, providing the necessary foundation for establishing a just and sustainable system.

Cite this article: Mirsondosī, S., M. (2024). Sociological Explanation of the Fair Distribution of Resources and Wealth in the Perspective of the Qur'ān. *Quranic Doctrines*, 21(40), 57-105.

<https://doi.org/10.30513/qd.2025.6506.2453>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



تبیین جامعه‌شناختی توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها از دیدگاه قرآن کریم

سید محسن میرسندسی[✉]

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه قرآن و مطالعات اجتماعی، پژوهشکده اسلام تمدنی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مشهد، ایران. رایانامه: m.sondosi@isca.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نظام‌های فکری که در اندیشه رهبری، انسان و ساختن فرد و جامعه هستند، هرکدام برای جامعه و شرایط اجتماعی موردنظر خود طرح‌ها و برنامه‌های خاصی را ارائه داده‌اند که یکی از مؤلفه‌های اصلی آن‌ها نحوه توزیع منابع ارزشمند در جامعه موردنظر خود است. این مقاله با هدف بررسی جامعه‌شناختی توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها از منظر قرآن کریم مشخصاً در وهله اول به این سؤال می‌پردازد که چه عوامل و موانعی از آیات قرآن در مورد توزیع عادلانه منابع و تأثیر آن بر عدالت اجتماعی قابل استنباط است و در وهله بعد از منظر جامعه‌شناختی، نقش این عوامل در تحقق عدالت اجتماعی و جامعه موردنظر قرآن چگونه تحلیل می‌شود. روش انجام پژوهش از نوع تحلیل کیفی و کشف مضامین مرتبط با مسئله مبتنی بر چارچوبی از مفاهیم جامعه‌شناسی و رجوع مستقیم به آیات بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، الگویی از عوامل ایجابی و سلبی به‌عنوان زمینه‌ها و موانع استخراج شده است. عوامل ایجابی شامل گسترش فرهنگ انفاق، اعتمادسازی در مبادلات، توجه به باور روزی‌رسانی خداوند و پرداخت زکات به‌عنوان زمینه‌های مثبت مؤثر در توزیع عادلانه ثروت شناسایی گردید. همچنین عوامل سلبی، مانند توجه دادن به سبک‌های زندگی ناسالم، بی‌توجهی به نیازمندان، انباشت نابرابر ثروت و اسراف به‌عنوان موانع جدی پیش‌روی تحقق عدالت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی به‌وضوح بر اهمیت همکاری و همیاری در جامعه تأکید دارند و می‌توانند بسترهای لازم برای ایجاد نظامی عادلانه و پایدار فراهم آورند.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۲۱

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۰۶

تاریخ انتشار برخط:

۱۴۰۳/۱۲/۱۵

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، توزیع

عادلانه، منابع

اقتصادی، عدالت

اجتماعی، عوامل

ایجابی، عوامل سلبی.



استناد: میرسندسی، سید محسن. (۱۴۰۳). تبیین جامعه‌شناختی توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها از دیدگاه قرآن کریم. آموزه‌های قرآنی، ۲۱(۴۰)، ۵۷-۱۰۵. <https://doi.org/10.30513/qd.2025.6506.2453>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

طرح مسئله: عدالت یکی از اصول بنیادی حاکم بر ارزش‌های دین اسلام است که در قرآن و سیره پیامبر اکرم (ص) به وضوح مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن، عدالت به عنوان یکی از اهداف بعثت انبیا معرفی شده و خداوند خود را پروردگاری عادل معرفی می‌کند (حدید/۲۵) به لحاظ مفهومی عدالت همان گونه که حضرت علی (ع) فرموده‌اند به معنای نهادن هر چیز در موضع خودش است.^۱ از نظر قرآن توجه جامعه به ارزش‌های الهی و پابندی افراد به هنجارهای مبتنی بر آن، از اصول مشترک تمام ادیان الهی است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره/۶۲). در بعد عملی و رفتاری نیز قرآن توجه ویژه‌ای به پابندی آحاد جامعه به دستورات الهی به عنوان هنجارهای مطلوب خود مبذول داشته است و برای آن کارکردهای متعددی را برمی‌شمارد. به عنوان نمونه آیه ۹۶ سوره مریم باور قلبی افراد به ارزش‌های الهی و پابندی عملی به آن‌ها را موجب افزایش علاقه مردم به یکدیگر و تقویت انسجام و همبستگی اجتماعی در جامعه مؤمنان می‌داند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (میرسندهی، ۱۳۹۹، ص ۹۸).

شهید صدر، عدالت اجتماعی را به توازن اجتماعی تعریف می‌کند (صدر، ۱۴۱۷، ص ۴۲۶) و آن را عدالتی می‌داند که مسئولیت‌های اجتماعی در خلافت عمومی انسان بر آن استوار است در واقع همان وجهه اجتماعی عدل الهی است که پیامبران منادی‌اش بوده‌اند و بر آن پافشاری می‌کردند (صدر، ۱۳۵۸، ص ۴۸). علامه طباطبایی، عدالت اجتماعی را این گونه تعریف می‌کند: «با هر یک از افراد جامعه طوری رفتار شود که مستحق آن و در جایی قرار داده شود که سزاوار آن است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱۲، ص ۴۷۸). ایشان عدالت اجتماعی را خصلتی اجتماعی می‌داند که افراد مکلف، مأمور به انجام آن هستند و در این باره چنین استدلال می‌کند: خدای سبحان دستور می‌دهد که هر یک از افراد جامعه عدالت را برقرار کنند. لازمه آن این است که این امر متعلق به مجموع افراد نیز

۱- «العدل يضع الأمور مواضعها» (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷، ترجمه دشتی، ۵۲۷).

باشد. پس هم فرد مأمور به اقامه حکم است و هم جامعه که حکومت عهده‌دار زمام آن است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۲۴، ص ۲۴۵). شهید مطهری نیز معتقد است که عدالت نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه یک اصل اجتماعی است که باید در قوانین و نهادهای اجتماعی رعایت شود. وی همچنین بر این باور است که عدالت باید بر اساس حقوق طبیعی انسان‌ها تعریف شود و این حقوق باید بدون تبعیض رعایت گردد (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۸۱-۸۳). در مجموع با توجه به آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های متفکران معاصر، عدالت عبارت است از رعایت حقوق افراد و نهادن هر چیز در موضع خود، به گونه‌ای که هیچ گونه تبعیضی وجود نداشته باشد. این مفهوم نه تنها شامل حقوق فردی، بلکه شامل حقوق اجتماعی نیز می‌شود و باید در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تحقق یابد.

از جنبه‌ای دیگر، توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها یکی از مفاهیم کلیدی در ایجاد یک جامعه مطلوب و پایدار است. این مفهوم به معنای تخصیص عادلانه منابع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تمامی افراد جامعه است، به طوری که هر فرد بتواند بر اساس نیازها و توانایی‌های خود از امکانات و فرصت‌هایی که در جامعه وجود دارد بهره‌مند شود. در واقع، توزیع عادلانه منابع و امکانات که رابطه تنگاتنگی با تحقق عدالت اجتماعی دارد، به دنبال کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی است و هدف آن ایجاد یک جامعه متوازن و پایدار است. از دیدگاه نظریه‌پردازان غربی، منظور از عدالت اجتماعی این است که جامعه بتواند با تمام کسانی که جایگاه اجتماعی، وضعیت و شایستگی یکسانی دارند، مواجه‌ای برابر داشته باشد (Mill, 1988: 122) از نظر پرودن مسئله عدالت این است که چگونه می‌توان بین فرد و جامعه هماهنگی ایجاد کرد به نحوی که نه فرد و نه جمع به نفع دیگری حذف شوند (Gurwich, 1972). برخی دیگر از نظریه‌پردازان عدالت، از جمله مرنیون و رالز عدالت اجتماعی را به معنای «مجموعه‌ای از حقوق و وظایف که رابطه بین افراد و اجتماع را هدایت می‌کنند و ضابطه‌ای عمومی برای تعیین شئون لازم‌الرعايه» تبیین کرده‌اند. بریان بری از عدالت به عنوان معیاری برای ارزیابی نهادهای اجتماعی، نهادهایی که وضعیت‌هایی را تعریف می‌کنند که در آن‌ها مسائل تقسیم منصفانه مطرح می‌شود، یاد کرده است (Barry, 1989, p.145).

امروزه یکی از پایه‌ای‌ترین موضوعات اقتصاد هنجاری موضوع عدالت اقتصادی است. عدالت اقتصادی نه تنها بخش اعظم عدالت در جامعه را در بر می‌گیرد، بلکه حتی می‌تواند به عنوان تمام جوانب عدالت اجتماعی نگریسته شود، چراکه تمایلات، منافع، شرایط و رقابت بین افراد را می‌توان با بیان اقتصادی توضیح داد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های عدالت اقتصادی عدالت توزیعی است و گاهی این دو یکی گرفته می‌شوند. هنگامی که «بیشتر داشتن» برای یکی مستلزم «کمتر داشتن» برای دیگری است، مسئله از نوع عدالت توزیعی است (عیوض‌لو، ۱۳۸۱، ص ۸۷-۸۸).

از منظر جامعه‌شناختی، نحوه توزیع منابع ارزشمند جامعه، تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی قرار دارد. جامعه‌شناسان استدلال می‌کنند که ارزش‌های اجتماعی بر نحوه درک و توزیع ثروت تأثیر می‌گذارد، و نشان می‌دهد که تعهد جمعی به برابری می‌تواند جامعه‌ای عادلانه‌تر را تقویت کند (Hecht, 2017).

قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع آموزه‌های مسلمانان حاوی راهبردهای متعددی است که ظرفیت ایجاد دگرگونی اجتماعی مبتنی بر عدالت اجتماعی را برای جوامع فراهم می‌آورد. مسئله مهم این است که چگونه می‌توان از آموزه‌های قرآن به طور مؤثر برای تغییر هنجارهای اجتماعی، پرورش اصول اخلاقی و ترویج عدالت اجتماعی استفاده کرد. مروری اجمالی بر آیات قرآن و روایات به وضوح نشان می‌دهد که برقراری عدالت، رفع فقر و کاهش نابرابری در جامعه از اهداف اسلام در حوزه مسائل اجتماعی و اقتصادی است. در واقع، دوام و بقای هر نظامی به ایجاد زمینه‌های بسط عدالت در جامعه وابسته است و از لوازم اصلی حرکت به سوی رشد و تعالی از بین بردن فقر و تبعیض در جامعه و ایجاد وسعت در معیشت برای زندگی مردم است. در نگرش اسلامی، عدالت توزیعی به عنوان هدفی والا برای فعالیت‌های انسان معرفی شده و آن را عاملی در جهت رشد و توسعه جوامع بشری معرفی نموده است، به همین دلیل هدف قرار دادن رشد اقتصادی به تنهایی را به بی‌راهه رفتن می‌دانند. در واقع یکی از اهداف نظام اقتصادی اسلام برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی است (ابو نوری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۳) قرآن کریم به عنوان منبع اصلی آموزه‌های اسلامی، اصولی را ارائه می‌دهد که به توزیع عادلانه ثروت و منابع تأکید دارند. تحقیق حاضر در پی آن است که با روش تحلیل مضامین و بهره‌گیری از

مفاهیم و نظریات جامعه‌شناسی به این سؤال پردازد که چه عوامل و موانعی از آیات قرآن در مورد تقسیم عادلانه منابع و تأثیر آن بر عدالت اجتماعی قابل استنباط است؟ هم‌چنین این نوشتار تلاش خواهد کرد بر اساس تبیین جامعه‌شناختی که از عوامل و زمینه‌های توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها در قرآن کریم، به تحلیل آثار و پیامدهای کنش‌های فردی و اجتماعی در توزیع منابع و پیامدهای آن بر ساختارهای اجتماعی خواهد پرداخت.

پیشینه پژوهش: در موضوع این پژوهش علاوه بر متون تفسیری قرآن، به‌ویژه از منظر جامعه‌شناسی، مطالعات متعددی انجام شده است که هر یک به‌نوعی با مسئله پژوهش مرتبط هستند.

محمدباقر صدر (۱۳۹۰) در کتاب اقتصاد اسلامی به مبانی نظری اقتصاد اسلامی و اصول آن می‌پردازد و تأکید دارد که اقتصاد اسلامی پایه و اساس آن بر اصول عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثروت بنا شده است.

زکریا (۲۰۱۵) در کتاب تحقیقی خود با عنوان العدالة الاجتماعية فی الإسلام به تحلیل ابعاد مختلف عدالت اجتماعی در اسلام می‌پردازد و نقش قرآن در شکل‌دهی به مفاهیم تقسیم عادلانه ثروت را بررسی می‌کند و تأثیر آموزه‌های دینی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

حنفی (۲۰۱۲) در کتاب الفکر الإسلامی فی الاقتصاد به بررسی تأثیرات فکری اسلام بر نظام‌های اقتصادی می‌پردازد و به نقد نظام‌های اقتصادی مدرن از منظر اسلام می‌پردازد. حنفی در این اثر به اصول توزیع عادلانه در جوامع اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن اشاره می‌کند.

بن بیه (۲۰۱۳) در اثر خود با نام البر و الشکر: الأبعاد الاجتماعية للزكاة، ابعاد اجتماعی زکات و تأثیر آن در توزیع عادلانه منابع در جوامع اسلامی را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی نشان می‌دهد چگونه و بر اساس چه سازوکارهایی پرداخت زکات می‌تواند به کاهش فقر و نابرابری در جامعه کمک کند و اصول قرآن را در این زمینه به تصویر می‌کشد.

منبع دیگری که به نقش قرآن در توسعه اجتماعی و جامعه مدرن پرداخته است،

مقالات «اسلام و مدرنیزاسیون»^۱ و «تأملاتی در اندیشه علوم اجتماعی اسلامی»^۲ نوشته سید فرید العطاس است. وی ظرفیت قرآن برای شکل دادن به تولید دانش و پیامدهای آن برای تحول اجتماعی را بررسی می‌کند و معتقد است که آموزه‌های قرآن می‌تواند زمینه‌ای برای درک جامعه‌شناختی از جامعه و پویایی آن فراهم کند و با گنجاندن اصول قرآن در تحلیل جامعه‌شناختی، می‌توان به درک عمیق‌تری از مسائل اجتماعی دست یافت که منجر به تدوین راهبردهای مؤثرتر برای جامعه‌سازی بهتر شود (العطاس، ۱۹۸۷: ۲۰۰۵).

مطهری (۱۳۷۳) در اثر پژوهشی عدالت اجتماعی در اسلام، به بررسی مبانی نظری عدالت اجتماعی در قرآن و سنت می‌پردازد. وی به مفهوم عدالت در اسلام و نحوه پیاده‌سازی آن در جوامع اسلامی اشاره می‌کند و به تأسیس اصول و قواعدی می‌پردازد که می‌تواند زمینه‌ساز توزیع عادلانه منابع و ثروت در جامعه باشد.

چیت‌ساز قمی (۱۳۷۵) در رساله دکتری با عنوان «عوامل فرهنگی مساعد توسعه اقتصادی در قرآن با تکیه بر تفسیر المیزان» به بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه اقتصادی در قرآن می‌پردازد. در این پژوهش، عوامل مختلفی مانند نگرش مطلوب و معقول به توسعه، ارزش‌های اخلاقی، اصول اقتصادی و سیاسی، توانمندی‌های انسانی و سایر عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی در قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

با بررسی موارد ذکرشده، هرکدام به نحوی به تمام یا بخشی از موضوع عدالت اجتماعی از دیدگاه قرآن پرداخته‌اند که می‌تواند منابع ارزشمندی برای محقق در شناخت موضوع باشد. این تحقیق از چند حیث می‌تواند با موارد گفته‌شده متمایز باشد. اول تأکید بر بررسی موضوع از دیدگاه جامعه‌شناختی و پایبندی به چارچوب‌های مفهومی و نظری که میراث این حوزه علمی است. دوم رجوع مستقیم به همه آیات قرآن کریم و تلاش برای دستیابی به فهمی جامع از موضوع و بالأخره نوع روش «تحلیل محتوای کیفی» که در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به کار رفته است. به کارگیری این روش که به طور معمول در مطالعات اجتماعی از آن استفاده می‌شود با روش‌های تفسیری مفسران قرآن تفاوت‌هایی دارد و به نوعی مکمل آن‌هاست و می‌تواند منجر به نتایج و یافته‌هایی شود که

1 - Islam and modernization

2 - Reflections on the Idea of Islamic Social Science

از جنبه‌های نوین شناختی برای این موضوع محسوب گردد.

روش انجام پژوهش: رویکرد غالب بر انجام این پژوهش از نوع تحلیل کیفی، مبتنی بر مدل تحقیق استقرایی و کاربرد تکنیک تحلیل مضمون است. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق بر اساس اقدامات غیرواکنشی و گردآوری اسناد می‌باشد. بدین ترتیب در ابتدا آیات و گزاره‌های مربوطه از قرآن گردآوری شده و سپس با چیدمان آن‌ها در قالب نوعی الگوی مفهومی، سعی شده به نوع ارتباط نظری بین آن‌ها دست یابیم. مجموعه آیات با مفاهیمی برگرفته از آثار مفسران آغاز می‌شود. مفاهیمی که بر اساس تفاسیر اجتماعی انتخاب شده‌اند به‌عنوان ادبیات فنی استفاده می‌شود. «ادبیات فنی به تفاسیر، گزارش‌های مطالعات قرآن‌پژوهی و تفسیری مرتبط با موضوعات اجتماعی اطلاق می‌شود.» (محمدیان، ۱۳۸۸، ص ۲۲۴). در فرایند تحلیل مضمون، محقق باید داده‌های جمع‌آوری‌شده را مفهوم‌سازی و به هر مفهومی کدی الصاق کند. کد به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که به گروه یا دست‌های از اشیا، رویدادها و کنش‌هایی که دارای برخی ویژگی‌های مشترک هستند، الصاق می‌شود. (محمدیان، ۱۳۸۸، ص ۳۲۵ و ۳۲۶). هدف اصلی کدگذاری، مشخص کردن واحدهایی از متن است که به شکل معنادار به مقوله‌ها (مفاهیم، مضامین و سازه‌ها) ربط پیدا می‌کنند. بدین ترتیب مفاهیم در مرتبه بالاتری بنام مقوله دسته‌بندی می‌شوند که نسبت به سایر مفاهیم انتزاعی‌تر است. در این تحقیق موارد گفته‌شده به ترتیب انجام شده است:

مرحله اول: با نظر داشت محتوای چارچوب مفاهیم جامعه‌شناختی شامل سرمایه اجتماعی^۱، رقابت‌های اجتماعی^۲، تاب‌آوری فردی و اجتماعی، معناسازی^۳، همبستگی^۴ و انسجام اجتماعی^۵، شایسته‌سالاری^۶، خودکنترلی اجتماعی^۷ و احساس محرومیت نسبی^۸

-
- 1- Social Capital
 - 2- Social competition
 - 3- Meaning making
 - 4- Social solidarity
 - 5- Social cohesion
 - 6- Meritocracy
 - 7- Social self-control
 - 8- Feeling of relative deprivation

مرور دقیق تمام آیات قرآن از ابتدا تا انتها با هدف شناسایی آیاتی بود که در آن‌ها اجمالاً مضامینی در ارتباط با ابعاد توزیع عادلانه منابع، امکانات و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی در قرآن قابل استنباط بود. در این مرحله ۱۸۵ آیه شناسایی شد.

مرحله دوم: تهیه جدولی کامل از آیات منتخب فوق که در ستون اول متن آیه، در ستون دوم درج ترجمه‌ای رسا از آیه به قلم عزت‌الله فولادوند و در ستون آخر، درج برخی تفاسیر اجتماعی مرتبط با آیه، گردآوری و تنظیم شده‌اند. هدف از انجام این قسمت استنباط و تدوین گزاره‌های اجتماعی برای محتوای ظاهری هر آیه بوده است. در نهایت حجم جدول مزبور در حدود ۱۲۵ صفحه بوده است.

مرحله سوم: برای دستیابی به مضامین مرتبط با موضوع تحقیق، جدول تفصیلی فوق وارد نرم‌افزار MAXQDA شده و مراحل سه‌گانه کدگذاری‌های (اولیه، گزینشی و محوری) در آن انجام شده است. در این مرحله با دقت در متن، ترجمه و تفسیر هر آیه، مضامینی که به صورت روشن و به اصطلاح از ظاهر معانی آیه استنباط می‌شود به صورت یک گزاره و کد اولیه در نرم‌افزار درج می‌شود. تعداد کدهای به‌دست‌آمده در این مرحله، ۵۶۷ مورد بود.

مرحله چهارم: در مرحله بعد کدها و مضامین اولیه به‌دست‌آمده در یک درجه انتزاع بالاتر، در مفاهیمی کلی‌تر که به لحاظ معنایی به هم نزدیک هستند، دسته‌بندی شده‌اند. تعداد این مفاهیم ۱۷ مورد بوده است.

مرحله پنجم: مرحله بعد مقوله‌سازی بوده است. با توجه به اهمیت صورت‌بندی مناسب برای درک بهتر عوامل و موانع توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها، تمام مفاهیم به‌دست‌آمده در ذیل دو مقوله اصلی زیر دسته‌بندی گردیدند.

الف) عوامل ایجابی، شامل ۹ مفهوم حاصل از ۲۶۲ کد ابتدایی.

ب) عوامل سلبی یا موانع، شامل ۸ مفهوم حاصل از ۳۰۵ کد ابتدایی.

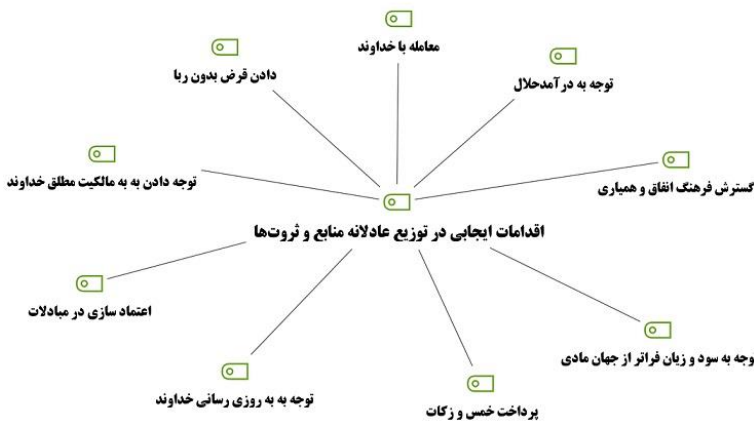
یافته‌های تحقیق: در ادبیات وسیع عدالت‌پژوهی، توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها یکی از ارکان اساسی عدالت اجتماعی تلقی می‌شود. در واقع توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها یکی از بسترهای تحقق عدالت اجتماعی به شمار می‌آید که اجرای صحیح آن، نه تنها می‌تواند منجر به کاهش فقر، نابرابری، و تبعیضات مختلف در سطح هر

جامعه شود، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه افراد جامعه می‌انجامد. در اینجا مجموعه عوامل ایجابی و سلبی که در توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها که از آیات قرآن استنباط شده است در قالب اشکال و جداول به شکل تفصیلی‌تر ارائه می‌شود.^۱

۱. عوامل ایجابی توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها

شکل شماره ۱ و جدول ۱ حاصل فرایند کدگذاری چندمرحله‌ای در این مقوله است و

نشان‌دهنده عوامل ایجابی ناظر بر راهبرد توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها می‌باشد.



شکل ۱. عوامل ایجابی در راهبرد توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها

جدول شماره ۱ نیز نشان‌دهنده نمونه‌ای از کدها و مفاهیمی است که در مراحل کدگذاری‌های چندگانه منجر به دستیابی به مقوله توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها در شکل‌گیری جامعه مطلوب و همچنین مفاهیم ثانویه به‌عنوان عوامل ایجابی در تحقق آن است.^۲

۱. نکته‌ای که توجه به آن لازم است تفکیک عوامل ایجابی و سلبی از یکدیگر است. با توجه به اهمیت انجام برخی از امور ارزشی و هنجاری و تأکید بر آن‌ها در آیات قرآن، ما آن‌ها را در اقدامات و عوامل ایجابی قرار داده‌ایم و قاعده‌تاً آن دسته از اموری که ترک، دوری و پرهیز از آن‌ها مورد نظر قرآن بوده است و قاعده‌تاً ناظر بر امور ضدارزش و ناهنجاری‌های در جامعه و روابط اجتماعی تلقی شده‌اند در عوامل سلبی قرار گرفته‌اند.

۲ - هر چند در تحلیل محتوای کیفی، کمیت و شمارش داده‌ها در تحقیق موضوعیت ندارد و آنچه مهم است.

جدول ۱. عوامل ایجابی در راهبرد توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها

آیه	ترجمه	مضمون و کد اولیه	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	تعداد موارد
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نُجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَطْهَرُ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (مجادله/۱۲)	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، وقتی با رسول خدا راز گفتید، صدقه‌ای پیشاپیش نیکی‌های خود بیاورید. این برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است. و اگر نیابید، پس خداوند آمرزنده و مهربان است.	یکی از راه‌های نزدیکی قلوب در جامعه مطلوب، صدقه دادن به نیازمندانست.	گسترش فرهنگ انفاق و همیاری	۹۵
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره/۲۵۴)	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، قبل از آنکه روزی بیاید که در آن نه خرید و	مؤمنان به یکدیگر احسان و بخشش می‌کنند		

کشف مضامین آشکار و پنهان در متن است. اما در متنی همچون قرآن که منشأ صدور آن از سوی خداوند عالم و حکیم مطلق فرض می‌شود، یکایک کلمات چه به لحاظ تعداد و چه جایگاه آن‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. و به‌نوعی تکرار و تعداد هر مضمون بیانگر اهمیتی است که برای مخاطبان داشته است. بنابراین تلاش شده است. جداول تنظیمی مبتنی بر تعداد مضامین و مفاهیم به‌دست‌آمده تنظیم گردند.

		فروشی است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافران خود ستمکارند.	
مؤمنان بواسطه انفاق در مسیر روزی‌رسانی خدا قرار می‌گیرند	حق خویشاوندان و مسکین و مسافر را بدهید. این بهتر است برای کسانی که می‌خواهند وجه خدا را طلب کنند و آن‌اند که موفق خواهند شد.	فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (روم/۳۸)	
مؤمنان روحیه خیرخواه برای همه دارند	پروردگارا، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را در روز حساب پیامرز.	رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ (ابراهیم/۴۱)	
مؤمنان نسبت به مشکلات اطرافیان خود حساس هستند	خداوند را پرستید و هیچ چیزی را برای او شریک قرار ندهید و نسبت به والدین و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و همسایه نزدیک و همسایه دور و رفیق و مسافر و کسانی که تحت تصرف شما هستند، نیکی کنید. خداوند	وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا (نساء/۳۶)	

			هیچ کس را دوست ندارد که بخیل و خودپسند باشد.	
۵۹	توجه به سود و زیان فراتر از جهان مادی و دنیوی	مؤمنان نظام سود و زیان را فراتر از جهان مادی و دنیوی می‌دانند	به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از آنچه به شما داده‌است انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده‌اند، برای آنان پاداش بزرگ است.	اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاَنْفَقُوْا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ فَاَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْفَقُوْا لَهُمْ اُجْرٌ كَبِيْرٌ (حدید/۷)
		مؤمنان نظام سود و زیان را فراتر از جهان مادی و دنیوی	تا خداوند آنان را به بهترین اعمالشان پاداش دهد و به آنان از فضل خود بیفزاید. و خداوند هر کسی را که بخواهد بی حساب روزی می‌دهد.	لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوْا وَيَزِيْدَهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ يَزِيْذُ مَنْ يَّشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ (نور/۳۸)
		مؤمنان چون حیات دنیوی را ناپایدار می‌دانند جهت‌گیری اخروی دارند.	آنچه به شما داده می‌شود، متاع زندگی دنیوی است و آنچه نزد خداست بهتر و باقی است برای کسانی که ایمان دارند و بر	فَمَا اُوْتِيْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّاعٌ الْخَيٰةِ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ وَّاَبْقٰى لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ (شوری/۳۶)

			پروردگارشان توکل می‌کنند.	
			زندگی دنیوی جز بازی و سرگرمی نیست و اگر شما ایمان بیاورید و تقوا پیشه کنید، پاداش‌های خود را خواهید گرفت و از شما امواتان را نمی‌خواهند.	إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أَجْرَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ (محمد/۳۶)
		مؤمنان به افزونی مال با بخشش آن باور دارند	پروردگار من روزی را برای هرکس از بندگان که بخواهد گسترش می‌دهد یا تنگ می‌سازد. و هر چیزی که انفاق کنید، او آن را جبران می‌کند و او بهترین روزی‌دهندگان است.	قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يَخْلُقُهُ وَهُوَ خَبِيرُ الرَّازِقِينَ (سبأ/۳۹)
۳۹	پرداخت خمس و زکات	یکی از هنجارهای اقتصادی جامعه مطلوب پرداخت خمس است.	و بدانید که از آنچه غنیمت برمی‌دارید، خمس آن برای خدا و رسول و رؤسای خویشتان و یتیمان و مسکینان و مسافران	وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ

		الْفُرْقَانِ يَوْمَ النِّقَمِ الْجَمْعَانِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (انفال/ ۴۱)	است، اگر به خدا و آنچه در روز فرقان بر بنده‌اش نازل کرده‌ایم ایمان دارید، در روزی که دو گروه با هم برخورد کردند و خدا بر هر چیزی توانا است.
		وَجَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا (مریم/ ۳۱)	و مرا در هر جا که باشم، مبارک قرار داده و تا زنده‌ام به نماز و زکات فرمان داده است.
		وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا (مریم/ ۵۵)	و او همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات امر می‌کرد و او در پیشگاه پروردگارش مورد پسند بود.
		وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (بینه/ ۵)	و آنان جز برای پرستش خدا با دین خالص و قیام نماز و پرداخت زکات، مأمور نشده‌اند. و این است دین راستین.
۲۲	توجه به روزی	مؤمنان ظرفیت‌های	مگر نمی‌بینند که

رسانی خداوند	مختلف برای کسب روزی از ناحیه خداوند دارند.	خداوند روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می‌دهد و برای هر کس بخواهد تنگ می‌کند؟ یقیناً در این امر، نشانه‌هایی است برای قومی که ایمان دارند.	الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (روم/۳۷)
	مؤمنان چون خدا را روزی‌رسان می‌دانند بر آینده فرزندانشان نگران نیست.	و فرزندان خود را به خاطر ترس از فقر نکشید. ما آنها و شما را روزی می‌دهیم. قتل آنان گناهی بزرگ است.	وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَتَّىٰ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرِزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (اسراء/۳۱)
۲۲	اعتمادسازی در مبادلات	نظام اقتصادی جامعه مطلوب مبتنی بر اعتماد است.	و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید، رهنی معتبر است. پس اگر برخی از شما نسبت به برخی دیگر امانت دارند، باید امانت را ادا کند و از خداوند پروردگار خود بترسد و شهادت را پنهان نکنید، و هر کس آن را پنهان کند، گناهی وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكُونُوا الشَّاهِدَةَ وَمَنْ يَكُنْهَا فَالْيَهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ (بقره/۲۸۳)

			بر دلش خواهد بود و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است.	
		مراقبت از سرمایه‌های مادی از وظائف فردی و اجتماعی اهل جامعه مطلوب	و مال‌هایشان را که خداوند برای شما به‌عنوان وسیله قوام قرار داده است، به سفیهان ندهید و در آن‌ها روزی دهید و بپوشانید و به آن‌ها سخن نیکو بگویید.	وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء/۵)
		در جامعه مطلوب سازوکارهای روشن برای سنجش دقیق مبادلات وجود دارد.	و وقتی که اندازه می‌زنید، دقیق بزنید و با ترازو درست وزن کنید. این بهتر و به نفع نتیجه است.	وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (اسراء/۳۵)
			و با ترازو درست وزن کنید.	وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ (شعرا/۱۸۲)
۱۳	توجه دادن به مالکیت مطلق خداوند	مؤمنان همه دارائی‌های خود را از خداوند می‌دانند	و چون به آنها گفته می‌شود: از آنچه خدا به شما روزی داده، انفاق کنید، کافران به مؤمنان می‌گویند: آیا کسی را طعام دهیم که اگر خدا می‌خواست، او را	وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي سَلَالٍ مُبِينٍ (یس/۴۷)

			طعام می‌داد؟ شما جز در گمراهی روشن نیستید.	
		باور به مالکیت مطلق خداوند زمینه تحقق قسط در جامعه مطلوب است.	به خداوند ملک آسمان‌ها و زمین تعلق دارد و اگر آنچه در خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را بابت آن محاسبه می‌کند و او هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند. و خداوند بر هر چیزی تواناست.	لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْذَرُوا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُ يَخْسِبُكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره/ ۲۸۴)
		مؤمنان به یکدیگر وام بدون سود می‌دهند.	چه کسی است که به خداوند وام نیکو دهد تا او آن را چندین برابر کند و خداوند تنگ و گشاد می‌کند و به سوی او برمی‌گردید.	مَنْ ذَا الَّذِي يَقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (بقره/ ۲۴۵)
۳	معامله با خداوند	مؤمنان کمک به دیگران را معامله با خدا می‌دانند.		
۳	توجه به درآمد حلال	حلال بودن مال در نزد مؤمنان جزو اصول ارزشی آنها	و از غنیمت‌هایی که به دست آورده‌اید، حلال و پاکیزه	فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (انفال/ ۶۹)

		می باشد.	بخورید و از خدا بترسید. زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.	
--	--	----------	--	--

در اینجا به برخی جنبه‌های تحلیلی مفاهیم به‌دست آمده اشاره می‌کنیم. آنچه بدیهی به نظر می‌رسد، پابندی مستمر مؤمنان به انفاق و همیاری، سرمایه اجتماعی جامعه را تقویت می‌کند و موجب افزایش اعتماد متقابل در تعاملات اجتماعی، شبکه‌ها و هنجارهایی که اقدامات جمعی را در سطح گروه‌های اجتماعی (همانند فعالیت‌های خیریه‌ای) تسهیل می‌کنند می‌شود. آیات ذکرشده نه تنها دلالت بر بخشش مالی دارد، بلکه بر ایجاد روابط حسنه میان یکدیگر تأکید دارد. بدین گونه احساس تعلق افراد به جامعه خویش تقویت و انگیزه و قدرت آن‌ها را برای مشارکت در تحقق اهداف ضروری جامعه افزایش می‌دهد. آیات قرآن مؤمنان را برای رقابت در کارهای نیک تشویق می‌کند (بقره/۲۵۴) تداوم این رقابت سالم در جامعه، هنجارهایی را ترویج می‌کند که در آن بخشش به‌عنوان یک ارزش اجتماعی و فضیلت اخلاقی تلقی می‌شود و منجر به تأثیر مثبت تجمعی بر توزیع منابع و رفاه اجتماعی می‌شود. از سویی دیگر، گسترش فرهنگ انفاق، تاب‌آوری را هم در سطح فردی و هم در سطح جامعه افزایش می‌دهد و موجب افزایش اتکا به نیروهای درونی جامعه در مواقع بحرانی می‌شود. انفاق و بخشش را می‌توان از دریچه معناگرایی نمادین نیز تفسیر کرد، زیرا افراد جامعه با احساس مسئولیتی که در مشکلات دیگران دارند، ارزش‌های شفقت و همبستگی را در خود و جامعه نهادینه می‌کنند. فرهنگ انفاق و نیکوکاری، مفاهیم شایسته‌سالاری را که صرفاً مبتنی بر ثروت و موقعیت اجتماعی باشد به چالش می‌کشد و تأکید می‌کند که کسانی که فداکارانه جان و مال خود را در راه خداوند می‌بخشند، در نظر خداوند ارزش و جایگاه ویژه‌ای دارند. در واقع در منطق قرآن، انفاق منعکس‌کننده انتخاب‌های منطقی همسو با ترجیحات اجتماعی و اعتقادی است، جایی که افراد اقداماتی را که به نفع پیشرفت و رفاه جمعی است بر منافع شخصی ترجیح می‌دهند. اصرار قرآن به انجام انفاق مستلزم درک این است که سرمایه‌گذاری در مسیر رشد جامعه، منجر به منافع متقابل و در نهایت توزیع عادلانه

منابع می‌شود.

یکی دیگر از عوامل ایجابی مهم در میان مؤمنان توجه به سود و زیان فراتر از دنیای مادی و دنیوی است. آیات قرآن تأکید می‌کنند که چگونه این نوع درک گسترده‌تر از سود و زیان می‌تواند به جامعه‌ای متعادل و عادلانه کمک کند. در این چارچوب، تعهد افراد به ارزش‌های نوع‌دوستانه برای دستیابی به منافع اخروی باعث می‌شود مؤمنان رفاه جمعی را نسبت به منافع شخصی خود در اولویت قرار دهند. همان‌طور که در آیاتی مانند آیه ۲۶۱ سوره بقره دیده می‌شود، معنای «موفقیت» به گونه‌ای تعریف می‌شود که عملاً پیشرفت جامعه و اقدامات عادلانه را گسترش می‌دهد. ترغیب قرآن برای دوراندیشی و سرمایه‌گذاری در پاداش‌های اخروی در کنار تلاش‌های دنیوی، منعکس‌کننده یک چارچوب منطقی و عقلانی چندبعدی است که در آن، افراد هزینه‌ها و منافع را نه تنها از نظر مادی، بلکه در زمینه‌های معنوی و اجتماعی تجزیه و تحلیل می‌کنند. همچنین توصیه مؤمنان به کسب ثواب اخروی (حدید/۷ و بقره/۲۴۵)، فرهنگ رقابت در کارهای نیک را به جای انباشت خودخواهانه ثروت القا می‌کند که تعهد عملی به توزیع عادلانه منابع را در پی دارد. از جنبه‌ای دیگر، درک سود و زیان در یک زمینه گسترده‌تر، مؤمنان را برای پذیرش زندگی پس از مرگ همراه با آرامش آماده می‌سازد (شوری/۳۶) آیاتی که بر پیامدهای منفی بخل و پاداش‌های نوع‌دوستی تأکید می‌کنند، اهمیت وفا، یکدلی و همبستگی اجتماعی را برجسته می‌سازند. با غلبه درک سود فراتر از ثروت مادی در میان افراد جامعه، توزیع عادلانه منابع تا حد زیادی تضمین می‌شود، زیرا افراد ثروت خود را به عنوان وسیله‌ای برای خدمت به دیگران می‌دانند و نه صرفاً یک دارایی شخصی و تقویت تمایزطلبی.

از عوامل ایجابی دیگر در توزیع عادلانه ثروت‌ها و منابع مادی جامعه پرداخت خمس و زکات است. پرداخت این وجوهات با دستورات قرآن برای تحقق عدالت اجتماعی ارتباط دارد. آیاتی همانند آیه ۴۱ سوره انفال تأکید می‌کنند که این کمک‌ها نه تنها برای حمایت از نیازمندان است، بلکه تضمین‌کننده این است که ثروت و اموال به جای این که در دست عده‌ای کمی متمرکز شود، در جامعه گردش داشته باشد. این نحوه توزیع منابع می‌تواند حس تعلق و ثبات را در جامعه تقویت کند، در نتیجه سرمایه اجتماعی را با

اطمینان از تخصیص منابع در جایی که بیشتر مورد نیاز است تقویت نماید. از جنبه‌ای دیگر، پابندی فراگیر و مستمر افراد به پرداخت وجوه شرعی خود منجر به ترجیح رفاه جامعه بر منافع فردی می‌شود و بخشش به دیگران فرصتی برای مشارکت مثبت در جامعه تبدیل شده و مسیری را به سوی انسجام اجتماعی ایجاد می‌کند. پرداخت زکات، به ایجاد یک شبکه حمایتی برای آسیب‌پذیرترین افراد نیز کمک می‌کند، بنابراین نوعی احساس همبستگی متقابل بین اعضای جامعه را تقویت می‌کند که برای حفظ هماهنگی اجتماعی و کاهش شکاف‌های ایجاد شده توسط نابرابری‌های اقتصادی حیاتی است.

باور به رزاقیت و روزی‌رسانی خداوند به مؤمنان این اطمینان را می‌دهد که نیازهای گوناگون آن‌ها صرفاً با اراده الهی برآورده می‌شود. این اعتقاد احساس امنیت را در میان افراد جامعه تقویت می‌کند و آن‌ها را تشویق می‌کند تا با قدرت بیشتر ناشی از اعتماد به خداوند با مشکلات روبه‌رو شوند. مؤمنانی که به روزی‌رسانی خداوند اعتقاد قلبی و عمیق دارند، امید و اعتماد را در میان اعضای جامعه خود تقویت می‌کنند.

شکل‌گیری اعتماد متقابل در مبادلات، عنصری حیاتی در هر نظام اقتصادی است و قرآن بارها بر اهمیت آن تأکید کرده است. آیه ۲۹ سوره نساء به مؤمنان یادآوری می‌کند که با رضایت و صداقت در معاملات شرکت کنند، زیرا اعتماد، محیطی باثبات ایجاد می‌کند که در آن افراد در تعاملات اقتصادی خود احساس امنیت می‌کنند و عنصری ضروری برای کارآمدی هر محیط اقتصادی و توزیع صحیح منابع است. همچنین ایجاد اعتماد با تسهیل همکاری بین اعضای جامعه، سرمایه اجتماعی را نیز افزایش می‌دهد و باعث تحکیم پیوندهای ضروری جامعه و تقویت روحیه همکاری در جامعه می‌شود. جامعه مطلوب از نظر قرآن باید سازوکارهای روشن و شفاف برای سنجش معاملات اقتصادی داشته باشد و اعتماد اساس این شفافیت است. هنگامی که اعتماد در روابط اقتصادی و حتی اجتماعی غالب شود، جامعه هزینه‌های گزاف صرف ایجاد ضمانت‌ها و ایجاد اعتماد صوری نخواهد کرد. از منظری دیگر، اعتماد صرفاً مربوط به تضمین‌های متقابل نیست، بلکه نوعی ویژگی شخصی و مسئولیت اخلاقی مرتبط با مفهوم تقوا است که افراد را تشویق می‌کند تا کنش‌های خود را در پرتو تعهدات نسبت به خدا و جامعه در نظر بگیرند. بدین گونه با غلبه اعتماد در تعاملات اجتماعی، هزینه‌های مبادله کاهش و

فعالیت‌های اقتصادی روان‌تر انجام می‌شود.

اعتقاد به مالکیت مطلق خداوند و این که انسان‌ها صرفاً واسطه در هزینه ثروت‌ها منابع هستند، نه صاحب آن به عنوان یک اصل، راهنمای مهم در شکل‌گیری نگرش افراد جامعه نسبت به منابع مالی مطرح است. گسترش این دیدگاه و درک این موضوع که دارایی‌های مادی موقتی است، می‌تواند افراد را به اختصاص منابع برای منافع عمومی و نه صرفاً برای منافع شخصی ترغیب سازد. در سطح اجتماعی، هنگامی که اعضای یک جامعه در اعتقاد به مالکیت مطلق خداوند هم‌نظر باشند، احتمال بیشتری برای همکاری و حمایت از یکدیگر به وسیله شبکه‌های اجتماعی در مواقع سخت و بحرانی دارند. همان‌طور که در مفهوم قرض‌الحسنه در آیه ۲۴۵ سوره بقره دیده می‌شود، مؤمنان، از طریق کنش‌هایی که در ساخت فرهنگی قرآن معنا و مفهوم می‌یابد، هنجارهای اجتماعی مربوط به حمایت متقابل را که برای ساختن یک جامعه منسجم حیاتی است تقویت می‌کنند.

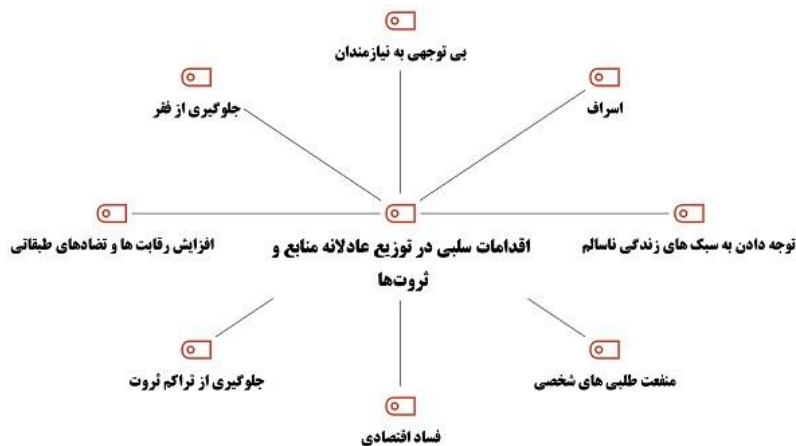
از جنبه‌ای دیگر هنگامی که آیات قرآن مؤمنان را به دادن وام قرض‌الحسنه به یکدیگر فرامی‌خواند می‌دهند، با مضمونی به نام معامله با خداوند روبه‌رو می‌شویم، زیرا خداوند خود را واسطه بین معامله قرار داده است و به عنوان یک وظیفه مقدس تلقی می‌شود، مؤمنان از طریق مفهوم «معامله با خداوند» معنای عمیق‌تری در کنش‌های خود پیدا می‌کنند که با ایمان آن‌ها ارتباط دارد زیرا آن‌ها اعمال خیریه را نه صرفاً به عنوان مبادلات مالی، بلکه به عنوان تعاملات مقدس با خدا می‌دانند.

در خاتمه این قسمت، می‌توان بر نقش مثبت کسب درآمد حلال در زمینه توزیع عادلانه منابع و ثروت در جامعه اشاره نمود. هنگامی که اکثر اعضای جامعه بر کسب درآمد حلال به عنوان هنجاری اجتماعی و دینی تمرکز داشته باشند، به طور طبیعی نظامی از کنش‌های متقابل را شکل می‌دهند که نه تنها برای خودشان، بلکه به نفع همه افراد جامعه می‌باشد. در واقع تعهد مستمر به شیوه کسب درآمدهای حلال و قانونی روحیه جمعی را تقویت می‌کند که در آن همه اعضای جامعه از طریق شیوه‌های معاملات منصفانه و اخلاقی از یکدیگر حمایت کنند. تداوم این رویه‌ها تقویت پیوندهای ضروری اجتماعی و در نتیجه، توزیع عادلانه منابع را به همراه دارد. علاوه بر این تأکید بر کسب درآمد حلال می‌تواند شکل سالمی از رقابت اجتماعی ایجاد کند که در آن افراد متناسب

با توان و تلاش خود به درآمدها و ثروت دست یابند و برآیند آن، در سطح جامعه، رفاه همگانی را افزایش می‌دهد. در این زمینه، کسب درآمد حلال صرفاً منفعتی مالی نیست، بلکه کارکردی معنوی نیز برای افراد خواهد داشت. از منظری دیگر، توجه به این که درآمدها باید از منابع حلال و قانونی حاصل شود، از یک چارچوب شایسته‌سالارانه پشتیبانی می‌کند، که در آن افراد بر اساس تلاش‌های مشروع خود به جای اقدامات غیرقانونی و غیرشرعی درآمد به دست می‌آورند و در این مسیر، نه تنها بر شاخص‌های صحیح موفقیت در جامعه تأکید می‌کنند، بلکه محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن سخت‌کوشی و مشارکت‌های اخلاقی در جامعه گسترش یافته و در نتیجه راه‌های تحرک اجتماعی برای همه افراد هموار و برابری و عدالت نیز ارتقا می‌یابد.

۲. عوامل سلبی در توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها

شکل شماره ۲ و جدول ۲ که در زیر می‌آیند نشان‌دهنده عوامل سلبی ناظر بر راهبرد توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها می‌باشد که قرآن به پرهیز و دوری از آن‌ها هشدار داده است.



شکل ۲. عوامل سلبی در راهبرد توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها

جدول شماره ۲ نیز نشان‌دهنده برخی کدها و مفاهیمی است که در مراحل کدگذاری‌های چندگانه منجر به دست‌یابی به مفاهیم ثانویه در مقوله توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها به عنوان عوامل سلبی و موانع در تحقق آن بوده است که پس از آن مورد تحلیل

قرار می‌گیرند.

جدول ۲. عوامل سلبی در راهبرد توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها

آیه	ترجمه	مضمون و کد اولیه	اقدامات (مفهوم و کد مشترک)	تعداد موارد
هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (منافقون/ ۷)	آنان کسانی هستند که می‌گویند: «بر کسی که نزد رسول خدا است انفاق نکنید تا پراکنده شوند.» و برای خدا خزائن آسمان‌ها و زمین است، اما منافقین نمی‌فهمند.	جلوگیری از انفاق به نیازمندان ویژگی منافقان در جامعه مطلوب است	بی توجهی به نیازمندان	۱۳
مَنْعَ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ (ق/ ۲۵)	او مانع خیر و متجاوزی شک و تردید دارد.	جلوگیری از خیررسانی جزو ناهنجاریهای جامعه مطلوب است.		
وَأَنْتَ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقُّهُ وَالْمُسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (اسراء/ ۲۶)	و به خویشاوندان حقشان را بده، و به مسکین و ابناء سبیل و اسراف نکن.	مؤمنان به یتیمان فقرا و راه ماندگان بی توجه نیستند		
إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ	بیشک قارون از قوم موسی بود، پس بر آنان	توزیع نامناسب ثروت موجب	تشدید رقابت‌ها	۱۴

	و تضادهای طبقاتی	شکل‌گیری روابط ظالمانه در جامعه مطلوب است.	سرکشی کرد و ما به او از گنج‌ها عطا کردیم به حدی که کلیدهای آن بر جمعی نیرومند سنگین بود. قومش به او گفتند: «خود را شادمان مکن، زیرا خداوند شادمانان را دوست ندارد.»	وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (قصص/۷۶)
		جامعه مطلوب همیشه در خطر افزایش تضادها و رقابت‌های فردی و گروهی است.	فرمود: «همگی از آنجا فرود آید، برخی از شما دشمن برخی دیگر خواهند بود. پس اگر هدایت از من به شما برسد، هر کس او را دنبال کند دچار گمراهی و شقاوت نمی‌شود.	قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (طه/۱۲۳)
		وضعیت اقتصادی تاثیر منفی در روابط مؤمنان نمی‌گذارد.	کلام نیکو و آمرزش بهتر از صدقه‌ای است که پس از آن آزار باشد، و خداوند بی‌نیاز و شکیباست.	قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (بقره/۲۶۳)
۱۴	گسترش فقر	جامعه مطلوب با فقر نظام‌مند و آشکار طبقات در	برای فقیرانی که در راه خدا محدود مانده‌اند و نمی‌توانند در زمین سفر	لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي

		تضاد است	کنند، نادان‌ها آنان را غنی می‌انگارند به خاطر عفتشان، آنها را می‌شناسی از نشانه‌هایشان و هرآنچه اتفاق کنی خداوند به آن داناست.	الْأَرْضِ يَحْسِبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِخْلَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره/ ۲۷۳)
		جامعه مطلوب بواسطه کفران نعمات در خطر ناامنی فقر و گرسنگی است.	و خداوند مثل قریه‌ای را مثال زد که امن و مطمئن بود و روزیش از هر جا فراوان می‌رسید، پس نعمت‌های خدا را کافر شدند، پس خداوند لباس گرسنگی و ترس را به آن‌ها چشانید، به خاطر آنچه انجام می‌دادند.	وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (نحل/ ۱۱۲)
		جامعه مطلوب در خطر افول عواطف و باورها بواسطه گسترش فقر است	و اولاد خود را به ترس از فقر نکشید؛ ما آنها و شما را روزی می‌دهیم. قطعاً کشتن آنها گناه بزرگی است.	وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَسْبِيَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا (اسراء/ ۳۱)
		مؤمنان در خطر فقر بواسطه زیاده روی در بخشش به دیگران هستند	و کسانی که هنگام انفاق نه زیاده‌روی می‌کنند و نه بخیل، و بین این دو حالت	وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان/ ۶۷)

			میان‌ه‌رو هستند.	
۱۶	انباشت و تراکم نابرابر ثروت	انباشت ناعادلانه ثروت موجب فساد در جامعه مطلوب می‌شود.	بیشک قارون از قوم موسی بود، پس بر آنان سرکشی کرد و ما به او از گنج‌ها عطا کردیم به حدی که کلیدهای آن بر جمعی نیرومند سنگین بود. قومش به او گفتند: «خود را شادمان مکن، زیرا	إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَىٰ الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ (قصص/ ۷۶)
			خداوند شادمانان را دوست ندارد.» و در آنچه خداوند به تو داده، سرای آخرت را طلب کن و سهم خود را از دنیا فراموش نکن و همان‌طور که خدا به تو نیکی کرده، نیکی کن و در زمین فساد نداشته باش؛ زیرا خدا مفسدین را دوست ندارد.	وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (قصص/ ۷۷)
		در جامعه مطلوب هدف فعالیت اقتصادی تراکم ثروت از هر مسیری نیست	خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزون‌ی می‌دهد و خداوند هیچ کافر گنهکاری را دوست	يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ (بقره/ ۲۷۶)

		ندارد.	یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء/ ۲۹)
		ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را نخورید مگر به روشی که تجارت باشد و یکدیگر را نکشید، زیرا خداوند به شما رحیم است.	
		فعالیت‌های فاسد اقتصادی زمینه اضمحلال جامعه مطلوب است.	
۱۸۴	گسترش سبک‌های زندگی ناسالم (ثروت اندوزی فردی و طبقاتی ملاء و اشراف)	نوح گفت: «پروردگارا، آنان به من نافرمانی کردند و پیروی از کسی کردند که مال و فرزندان‌ش جز برای او زیان نبخشید.»	قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا (نوح/ ۲۱)
		مؤمنان در خطر انحراف بواسطه ثروت اندوزی هستند.	أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ (تکاثیر/ ۱)
		شما را فریفته است تکاثیر.	الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (همزة/ ۲)
		کسی که مال‌هایی را جمع می‌کند و آن را شمارش می‌کند.	يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (همزة/ ۳)
		او به این گمان است که مالش او را جاودانه می‌کند.	یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا
		ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و دنیاگرایی و ثروت اندوزی فردی	

		أُولَٰئِكَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (منافقون/۹)	فرزندان شما شما را از یاد خدا غافل نکند و هر کس این کار را کند، آنان زیان‌کاران خواهند بود.	موجب گمراهی مؤمنان می‌شود
		الَّذِينَ يَخُلُونِ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (حدید/۲۴)	آنان که بخیل هستند و مردم را به بخل دعوت می‌کنند، و هر کس رو برگرداند، خداوند او را بی‌نیاز و ستوده است.	دنیاگرانی و ثروت‌اندوری فردی موجب گمراهی مؤمنان می‌شود.
		وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُفِضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ (زخرف/۳۶)	و هر کس از ذکر رحمان روی گردان شود، شیطانی برای او مقرر می‌شود و او همدم او خواهد بود.	ثروت‌اندوزی و رفاه‌زدگی موجب رویگردانی و کتمان حق می‌شود.
		وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ (فصلت/۵۱)	و هر گاه ما بر انسان نعمتی بدهیم، او سر می‌پیچد و کناره‌گیری می‌کند، و هر گاه بدی به او برسد، دعای او بسیار می‌شود.	
		وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (سباء/۳۴)	و در هیچ قریه‌ای، فرستاده‌ای نفرستادیم مگر آنکه مرفهین آن گفتند: ما به آنچه به سوی شما فرستاده	

	شده، کافر هستیم.	
وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ (سباء/۳۵)	و گفتند: «ما بیشتر از همه، اموال و فرزندان داریم و ما عذابی نخواهیم شد.»	رفاه زدگی و ثروت زیاد موجب خودشیفتگی و حق پنداری مؤمنان می شود
فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَرِيدُ أَنْ يَبْغِضَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأُولِينَ (مؤمنون/۲۴)	و گروهی از مرفهین قومش گفتند: «این نیست مگر بشری مثل شما که می خواهد بر شما برتری جویی کند. و اگر خدا می خواست، فرشتگانی را نازل می کرد. ما از این در زمان پدران مان چیزی نشنیده ایم.»	جامعه مطلوب در خطر شکل گیری طبقات اشراف است.
وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا (اسراء/۱۶)	و هنگامی که خواستیم قریه ای را هلاک کنیم، مرفهین آن را امر می کنیم و فساد می کنند و پس حق بر آنها وعده یار می گردد و آن را هلاک می کنیم.	توجه به سبک ثروت جویی و خوشگذران ملاکی برای سلامت جامعه است
وَإِذَا أَنْزَلْتُ سُورَةً أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا	و هنگامی که سوره ای نازل شود که به خدا ایمان آورید و با	مؤمنان در خطر اعراض از خداوند بواسطه رشد سریع

		اقتصادی.	فرستاده‌اش جهاد کنید، مرفهین از آنها از تو اذن خواسته و گفتند: «به ما اجازه بده که با قاعدین باشیم.»	الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ (توبه/۸۶)
		جامعه مطلوب در خطر گسترش طبقه اشراف و انحراف توسط آنهاست	و گروهی از مرفهین قومش گفتند: «اگر شما شعیب را پیروی کنید، قطعاً زیان کاران خواهید بود.»	وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لُنْزِ أَنْتُمْ شُعَيْبًا إِنْكُمْ إِذَا لَخَّاسِرُونَ (اعراف/۹۰)
۸۱	توجه دادن به سبک‌های زندگی ناسالم (دنیاگرایی)	اهداف جامعه مطلوب با دنیا‌مداری و دنیاگرایی منافات دارد.	از کسی که از یاد ما روی برگرداننده و نخواست جز زندگی دنیا.	فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يَرِدْ إِلَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا (نجم/۲۹)
		بهانه جویی شیوه مقابله طبقات دنیاگرا با جامعه مطلوب است.	و اگر به بشری مانند شما اطاعت کنید، قطعاً زیان کار خواهید بود.	وَلَنْ أَطْعَمَ بَشَرًا مِمَّنْكُمْ إِنْكُمْ إِذَا لَخَّاسِرُونَ (مؤمنون/۳۴)
			: و گفتند: آیا به دو بشری مانند ما ایمان آوریم و قومشان ما را پرستش کنند؟	فَقَالُوا أَنْتُمْ لَبِئْسَ رِجَالٌ وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ (مؤمنون/۴۷)
		توجه افراطی به زندگی دنیوی و دنیاگرایی مانع	آنها کسانی هستند که زندگی دنیا را به آخرت فروخته‌اند، پس عذاب	أُولَئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا

		هُم يَنْصُرُونَ (بقره/ ۸۶) از آن‌ها تخفیف نمی‌یابد و آنها یاری نمی‌شوند.	تحقق جامعه مطلوب است.
		وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (انعام/ ۳۲) و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و مسلماً سرای آخرت برای کسانی که تقوا دارند بهتر است، آیا نمی‌اندیشید؟	جامعه مطلوب در خطر غلبه تفکر مادی و دنیوی است.
		يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَأْكُلُوا أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (توبه/ ۳۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بسیاری از علمای دین و راهبان مال‌های مردم را به باطل می‌خورند و مردم را از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره را انباشته می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به آنان بشارت عذابی دردناک بدهید.	جامعه مطلوب در خطر دنیاگرایی عالمان است.
		وَإِذْ أَخْبَرْنَا مَلَكًا نَّبِيًّا الَّذِي أَتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتَيْنَاهُ الشَّيْطَانَ فَكَانَ مِنَ الْغَالِينَ (اعراف/ ۱۷۵) و بگو به آنها داستان کسی را که آیات ما را دادیم پس از آنکه از آن جدا شد، و شیطان او را پیگیری نمود و او از گمراهان شد.	

		بی‌گمان عذر بر عهده کسانی است که از تو در خواسته‌اند و آنان ثروتمندند، راضی بودند که با قاعدین باشند و خداوند بر دل‌هایشان مهر نهاده، پس آنان نمی‌دانند.	إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُوكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَنِغَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (توبه/ ۹۳)
	رشد معنوی مؤمنان با دلبستگی مادی و دنیاگرایی رابطه معکوس دارد	از اموال آنها صدقه‌ای بگیر که آنها را پاک کند و نیکو گرداند و بر آنها دعا کن که دعای تو مایه آرامش آنان است و خدا شنوا و داناست.	خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (توبه/ ۱۰۳)
	رهبران جامعه در خطر دنیاگرایی بواسطه معاشرت با طبقات بالا هستند.	و خود را با کسانی که صبح و شام پروردگار خود را می‌خوانند، همراهی کن و می‌خواهند رضای او را و چشم‌های خود را از آنان برمگردان، تا زندگی دنیا را بخواهی و از کسی که دلش را از یاد ما غافل کرده و از هوا و آرزوهای خود	وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ دِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا (کهف/ ۲۸)

		پیروی کرده، اطاعت مکن.	
		بگو: «هرگز فرار شما را نفعی نخواهد داد، اگر از مرگ یا کشتن فرار کنید، پس شما را جز اندکی برخوردار نمی‌شود.»	قُلْ لَّنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِن فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوْ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا (احزاب/ ۱۶)
	رفاه طلبی و خوشگذرانی فردی و طبقاتی (مترفین)	رشد سریع اقتصادی و رفاه در جامعه مطلوب خطر غفلت از خداوند را در بر دارد.	حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (تکواثر/ ۲)
		و هرگاه انسان را مصیبت رسید، ما را می‌خواند سپس هرگاه نعمت‌هایی از ما به او بخشیدیم، می‌گوید: «این تنها به دلیل علم من است»، بلکه این یک آزمایش است و بسیاری از آنان نمی‌دانند.	فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (زمر/ ۴۹)
		طبقه ثروتمند خوشگذرا	إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ (واقعہ/ ۴۵)

		ن مانع جدی در مقابل شکل‌گیری جامعه مطلوب است.		
			و همچنین پیش از تو در هیچ قریه‌ای از نذیر نفرستادیم، مگر آنکه مرفهین آن گفتند: «ما بدران خود را بر امتی یافتیم و ما به سیرت آنان رو آورده‌ایم.»	وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهُمْ إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ (زخرف/۲۳)
		رفاه زدگی و خوشگذرانی موجب کبر و غرور و گمراهی مخالقان جامعه است.	این به خاطر آن است که شما در زمین بدون حق شادمان بودید و به خاطر آنکه سرگرم بودید.	ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (غافر/۷۵)
		رفاه زدگی و ثروت زیاد موجب خودشیفتگی و خودحق‌پنداری می‌شود.	و گفتند: «ما بیشتر از همه، اموال و فرزندان داریم و ما عذابی نخواهیم شد.»	وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ (سباء/۳۵)
		مؤمنان در خطر فریفتگی زندگی مادی و دنیوی	و چشمان خود را به آنچه به گروهی از آنها متاعی داده‌ایم، مولا از	وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْثَنَّهُمْ

		مخالفان هستند	زینت‌های این دنیا برنگردانید، تا ما آنان را در آن بیازماییم، و روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است.	فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى (طه/۱۳۱)
		جامعه مطلوب در خطرگسترش شیوه زندگی کاخ نشینی است.	«او هیچ‌گاه ندویدید و برگردید به زندگی مرفهانه‌ای که در آن بودید، شاید مورد پرسش قرار گیرید.»	لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْأَلُونَ (انبیاء/۱۳)
۲۷	گسترش فساد اقتصادی	جامعه مطلوب در خطر انحراف توسط فعالیتهای اقتصادی فاسد است.	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال یکدیگر را نخورید مگر به روشی که تجارت باشد و یکدیگر را نکشید، زیرا خداوند به شما رحیم است.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (نساء/۲۹)
			و حقایق مردم را کم نگذارید و در زمین فساد نکنید.	وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (شعرا/۱۸۳)
		ربا خواری موجب اضمحلال جامعه مطلوب است.	خداوند ربا را نابود می‌کند و صدقات را فزونی می‌دهد و خداوند هیچ کافر گنهکاری را دوست	يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيَرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَتَيْنِمْ (بقره/۲۷۶)

		ندارد.	
	ای کسانی که ایمان آوردید، خدا را بپرستید و آنچه را از ربا باقی مانده است رها کنید، اگر شما مؤمن هستید.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (بقره/ ۲۷۸)	
کم فروشی در مبادلات اقتصادی جزو ناهنجاریهای جامعه مطلوب است.	وای بر کسانی که کم‌فروشی می‌کنند.	وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ (مطففین/ ۱)	
	و وزن را به انصاف بایستید و کم نگذارید.	وَأَقِيمُوا الزُّنْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (الرحمن/ ۹)	
	و وقتی می‌کُئید، کِئیل را به عدالت ادا کنید و به وزن راستین وزن کنید؛ این بهتر و عاقبت نیکوتر است.	وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (اسراء/ ۳۵)	
مؤمنان در مبادلات اقتصادی کم فروشی نمی‌کنند.	وای قوم من، کیلو و وزن را به اعتبار بایستید و چیزی از مردم کم نکنید و در زمین فساد نکنید.	وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (هود/ ۸۵)	
افراد و گروه‌ها در خطر سواستفاده از	آیا انتظار دارید به شما ایمان بیاورند، حال	أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ	

		جایگاه خود قرار دارند.	آنکه برخی از آنان کلام خدا را شنیدند و سپس آن را تحریف کردند، در حالی که خودشان می‌دانستند؟	يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يَحْزَنُونَ مِنْ بَعْدِ مَا عَقِلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (بقره/۷۵)
۳۰	رشد منفعت طلبی‌های شخصی	تبعیت از هواهای نفسانی موجب تخریب در جامعه مطلوب است	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در دین اسلام به طور کامل وارد شوید و از پیروی گام‌های شیطان پرهیز کنید؛ زیرا او برای شما دشمنی روشن است.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره/۲۰۸)
		جامعه مطلوب در خطر گرایش افراد به منافع شخصی و قومی است.	و گروهی از مردمان در بین خود نسبت به جدا کردن خود، حزبی گشتند و هر یک به طریقت خود شادند.	فَنَقُصُّوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبْرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (مؤمنون/۵۳)
		جامعه مطلوب همیشه در خطر انگیزه‌های خودخواهانه گروه‌هاست.	و اگر حق از هوای آنها پیروی کند، آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنها است فاسد می‌شود؛ ما آنان را با یاد خود یادآور می‌شویم، اما آنان از یاد ما روی می‌گردانند.	وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ (مؤمنون/۷۱)
			و بعضی از آنها از تو در صدقات به نیش	وَمِنْهُمْ مَنْ يُلْمُزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا

			می‌زنند، پس اگر از آنان بدهی خوشحال می‌شوند و اگر ندهی آن‌ها را مورد خشم قرار می‌دهند.	مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يَغْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ (توبه / ۵۸)
		مؤمنان در خطر اولویت دادن حفظ اموال و فرزندان بر منافع جمعی هست.	ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنند و هر کس این کار را کند، آنان زیان‌کاران خواهند بود.	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (منافقون / ۹)
			آیا خیال می‌دارند که ما آنچه به آن‌ها می‌دهیم از مال و فرزندان یک فزونی است؟	أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ وَبَنِينَ (مؤمنون / ۵۵)
۷	اسراف	اسراف و زیاده روی جزو ناهنجاریهای جامعه مطلوب است	ای فرزندان آدم، زینت را در هر مسجد ببوشید و بخورید و بنوشید و اسراف نکنید، زیرا او مسرفین را دوست ندارد.	يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (اعراف / ۳۱)
		جامعه مطلوب در خطر گسترش شیوه زندگی مسرفانه است.	و به خویشان‌اندان حقشان را بده، و به مسکین و ابناء سبیل و اسراف نکن.	وَأَبْذِرْ دَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (اسراء / ۲۶)

			بی‌گمان	إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (اسراء/ ۲۷)
			اسراف‌کنندگان برادران شیاطین‌اند و شیطان هم نسبت به پروردگارش بسیار کفر ورز است	

مفهوم بی‌تفاوتی و بی‌توجهی نسبت به نیازمندان و نقش مخرب آن در توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها در آیات مختلف قرآنی مورد تقبیح قرار گرفته است. هنگامی که افراد توانمند جامعه نیازهای دیگران را نادیده می‌گیرند، عمل اعتماد لازم برای تعاون و همکاری اجتماعی را کاهش می‌دهند. شاید به همین علت است که برخی آیات تأکید می‌کنند که غفلت از نیازمندان نشان‌دهنده نفاق افراد است که منجر به از بین رفتن همبستگی جامعه می‌شود (منافقون/ ۷) زیرا با کاهش سرمایه اجتماعی در سطح جامعه، شبکه‌های حمایتی ضعیف می‌شوند. علاوه بر این بی‌تفاوتی نسبت به نیازمندان و اقشار آسیب‌پذیر می‌تواند به افزایش تعارضات اجتماعی منجر شود، زیرا هنگامی که نیازهای ضروری بخش زیادی از افراد جامعه برآورده نمی‌شوند، نارضایتی و احساس بی‌عدالتی افزایش می‌یابد و به طور بالقوه منجر به بی‌نظمی اجتماعی می‌شود. از جنبه‌ای دیگر، بی‌تفاوتی نسبت به نیازمندان، نوعی ذهنیت منفی رقابتی و تفاخری را تقویت می‌کند که به جای ارتقای همگانی، بر منافع شخصی متمرکز می‌شود. وقتی افراد حفظ موقعیت یا ثروت خود را بر رفاه جامعه ترجیح می‌دهند، رقابت‌های اجتماعی به جای نقش سازندگی موجب تشدید فاصله‌های اقتصادی و اجتماعی می‌شوند.

اقدامات و فعالیت‌هایی که منجر به تشدید رقابت‌ها و تضادهای طبقاتی می‌شود، موانع مهمی را برای دستیابی به توزیع عادلانه منابع و ثروت در سطح جامعه ایجاد می‌کنند. قرآن بر اهمیت مسئولیت همه مؤمنان در حمایت از یکدیگر تأکید دارد. هنگامی که رقابت‌های طبقاتی در جامعه تشدید می‌شود، سرمایه اجتماعی تضعیف می‌شود، زیرا افراد بیشتر بر منافع فردی و ارتقای جایگاه خود متمرکز می‌شوند تا رفاه جمعی. در نتیجه عدم تقویت سرمایه اجتماعی از طریق همکاری و حمایت متقابل منجر به تفرقه و نارضایتی می‌شود و تلاش‌ها برای توزیع عادلانه منابع را مختل می‌سازد. رقابت‌های ناسالم طبقاتی

اغلب منجر به جنگ قدرت و نزاع برای تصاحب منابع ارزشمند در جامعه می‌شوند (حجرات/۹) و اگر به‌درستی مدیریت نشوند، به خشونت تبدیل می‌شوند. چنین تضادهای طبقاتی می‌تواند بی‌ثباتی و هرج‌ومرج اجتماعی ایجاد کنند و فرصت ایجاد یک جامعه عادلانه را بیشتر کاهش دهد و از طرفی موجب کاهش تاب‌آوری جامعه در برابر ناملایمات و خطرهای احتمالی است. زمانی که تمایزات طبقاتی به‌عنوان شاخصه‌هایی برای رتبه‌بندی بین افراد جامعه تبدیل شود، معانی منتسب به ثروت و موقعیت می‌توانند به دیدگاهی سلسله‌مراتبی از جامعه منجر شوند در حالی که قرآن کریم مؤمنان را تشویق می‌کند که موفقیت را نه از طریق انباشت ثروت، بلکه از طریق تقوا، انفاق، و مسئولیت اجتماعی نسبت به دیگران در نظر بگیرند (بقره/۲۶۲).

گسترش فقر موضوعی حیاتی است که مستقیماً اصول توزیع عادلانه منابع و ثروت را که برای تحقق جامعه مطلوب ضروری است تضعیف می‌کند. در واقع، گسترش فقر بافت زندگی اجتماعی را تضعیف می‌کند، زیرا افراد محروم از نظر اقتصادی اغلب به شبکه‌ها و منابع لازم برای تحرک رو به بالا دسترسی ندارند و رقابت‌های ناسالم اقتصادی و اجتماعی ناشی از فقر اغلب به تشدید شکاف‌های طبقاتی و نارضایتی طبقاتی تبدیل می‌شوند و ظرفیت توزیع عادلانه منابع را نیز تضعیف می‌کنند. درعین حال، فقر گسترده به‌جای تولید امید، فرهنگ ناامیدی را در میان توده‌ای فقیر ایجاد می‌کند و نه تنها بر افراد، بلکه بر توانایی‌های جوامع برای مقاومت در برابر ناملایمات تأثیر می‌گذارد. بخش اعظمی از جامعه از طریق برچسب خوردن و منتسب شدن به طبقات ضعیف و فقیر، احساس خودارزشمندی را ازدست‌داده و موجب اختلال در پیوندهای ضروری جامعه شده و تداوم این فرآیند موجب تضعیف انسجام اجتماعی می‌شود. در حقیقت گسترش فقر می‌تواند همبستگی را تضعیف و فرهنگ بی‌تفاوتی یا حتی خصومت را در سطح لایه‌های اجتماعی پرورش دهد. بدیهی است در چنین وضعیتی احساس عدالت و توزیع عادلانه منابع تا چه اندازه به خطر خواهد افتاد. همچنین فقر با این اصل که افراد باید بر اساس استعدادها و تلاش‌های خود پیشرفت کنند، در تضاد است. فقر، نابرابری‌های ساختاری و شکاف طبقاتی را تداوم می‌بخشد، زیرا معمولاً منابع و فرصت‌ها اغلب توسط افراد معدود و ممتاز خارج از اکثریت جامعه کنترل می‌شوند.

یکی دیگر از عوامل سلبی که قرآن به دوری از آن پرهیز داده است، انباشت و تمرکز نابرابر ثروت در میان افراد جامعه است. انباشت یک‌سویه ثروت‌ها در دست افراد، گروه‌ها و طبقات خاص غالباً با محصول رقابت‌های ناسالم و نابرابری است که آن‌ها به مدد شبکه‌های قدرت ایجاد کرده‌اند. محیط اجتماعی ناشی از این نابرابری‌ها و فوران نارضایتی‌ها موجب هدر رفتن سرمایه‌های مادی و اجتماعی خواهد بود. وضعیتی که می‌تواند موجب افزایش آسیب‌پذیری و کاهش ظرفیت جامعه برای پاسخ به بحران‌ها و تهدیدات نیز تلقی شود زیرا توده‌هایی که در میان آن‌ها احساس نابرابری به قلیان درآید برای از بین بردن این وضعیت نابرابر و فاسد حتی با دشمنان خود نیز همکاری خواهند کرد. از نگاهی دیگر، معانی وابسته به ثروت و قدرت بر رفتارها نیز تأثیر می‌گذارد. هنگامی که تحصیل و انباشت ثروت به‌عنوان هنجاری اجتماعی رایج باشد و به‌عنوان شاخصی برای موفقیت ارزیابی شود، برخلاف تصریحات قرآنی، در نوعی دگردیسی فرهنگی منجر به جابه‌جایی و تحریف ارزش‌ها و تضعیف اخلاقیات در رفتار اقتصادی می‌شود. در واقع احساس محرومیت نسبی زمانی تشدید می‌شود که اختلاف قابل‌توجهی در ثروت افراد جامعه وجود داشته باشد. آن‌ها وضعیت رفاهی و معیشتی خود را با سایرین می‌سنجند و ممکن است احساس بی‌عدالتی یا عدم رضایت کنند.

طبق نتایج تحقیق، یکی دیگر از موانع تحقق عادلانه منابع و ثروت در جامعه گسترش سبک زندگی ناسالم، به‌ویژه ثروت‌اندوزی توسط طبقات اشراف و پیامدهای اجتماعی متعاقب آن است. آیات قرآن به‌خوبی نشان می‌دهند که چگونه انباشت ثروت در دست عده‌ای خاص منجر به تحریف احساس هویت و هدف در میان بیشتر مردم می‌شود (همزه/۲-۳). این معنا که ممکن است فرد باور کند که ثروت برابر با جاودانگی است، تصور نادرستی درباره موفقیت و ارزش را نشان می‌دهد و می‌تواند افراد را به دنبال کسب ثروت به هر قیمتی سوق دهد. ثروت‌اندوزی غیرمفید و انحصارگرایانه توسط برخی طبقات، اغلب منجر به چندپارگی جامعه می‌شود. آیات قرآن هشدار می‌دهند که تشدید رقابت در تحصیل ثروت، توجه عمومی را از انجام تعهدات و مسئولیت‌های مشترکی که برای تحقق اهداف جامعه ضروری است، دور می‌سازد و همان‌طور که ذکر شد، هنگامی که ثروت به‌عنوان شاخصی از موقعیت اجتماعی و موفقیت تبدیل می‌شود، اختلافات بین

آحاد جامعه را عمیق‌تر می‌کند و به انسجام و همبستگی اجتماعی آسیب می‌رساند. علاوه بر این گسترش سبک زندگی مادی‌گرایانه باعث تضعیف ارزش‌های معنوی و اخلاقی که قرآن و پیامبران به آن‌ها توصیه می‌کنند، و شیوع رذائل اخلاقی همچون بخل در جامعه می‌شود (حدید/۲۴). بخل نه تنها به روح فرد آسیب می‌زند، بلکه سعادت جمعی را نیز تهدید می‌کند.

سبک زندگی مترفین که مهم‌ترین شاخص آن رفاه‌طلبی و لذت‌جویی افراطی است یکی دیگر از عوامل سلبی است که قرآن در مواضع مختلف به دوری از آن هشدار داده است. توجه افراطی به ثروت و لذت مادی می‌تواند رفتارها و هنجارهای اجتماعی را از مسیر درست منحرف سازد. همان‌طور که آه ۴۹ سوره زمر اشاره می‌کند، ممکن است برای افراد این تصور و شائبه ایجاد شود که موفقیت‌ها و دارایی‌های آن‌ها فقط به دلیل شایستگی‌های خودشان است و آن‌ها را به استغنائی از خداوند و ارزش‌های الهی سوق دهد. وجود یک طبقه ثروتمند و مرفه که خود را از سایر طبقات جدا می‌کنند، اغلب باعث تضاد بین اقشار اجتماعی نیز می‌شود (سبأ/۳۵). ثروتمندان به تدریج ممکن است ثروت خود را نشانه برتری نسبت به دیگران تصور کنند و در برابر توزیع عادلانه منابع مقاومت کنند. از سویی دیگر سبک زندگی مرفه و خوش‌گذران با تمام اصول اخلاقی، همانند خویش‌داری، فروتنی و خدمت به دیگران در تنافی آشکار است و بدین جهت قرآن نسبت به توجه به لذت‌های مادی هشدار می‌دهد و مؤمنان را تشویق می‌کند که تعهدات اخلاقی و معنوی نسبت به هموعان خود را در اولویت قرار دهند (انبیاء/۱۳). گسترش سبک زندگی مترفین با انحراف شاخص‌های رضایت در میان اعضای جامعه نیز می‌تواند احساس محرومیت نسبی را در میان طبقات کمتر مرفه تشدید کند. هنگامی که ثروت به یک شاخص قابل‌مشاهده از وضعیت و به‌خصوص به عاملی برای تفاخر و تمایزطلبی تبدیل می‌شود، محیطی را ایجاد می‌کند که در آن افراد کمتر ثروتمند احساس می‌کنند به حاشیه رانده شده‌اند و این نابرابری می‌تواند منجر به نارضایتی و بی‌ثباتی اجتماعی شود.

گسترش مفاسد اقتصادی مانع دیگری در راه دستیابی به توزیع عادلانه منابع و ثروت در جامعه است که از آیات قرآن استنباط می‌شود. رهنمودهای قرآن در برابر مواجه

ناعادلانه با اموال دیگران (نساء/۲۹) بر اهمیت رفتار قانونی و اخلاقی در تعاملات اقتصادی تأکید دارد. هنگامی که افراد ثروت را به بهای هزینه و خسارت به دیگران صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای کسب منافع شخصی خود تفسیر می‌کنند، منجر به توجیه گسترده فساد اقتصادی در جامعه می‌شوند. از سویی دیگر عادی شدن فسادهای اقتصادی و ترویج رقابت‌های ناسالم و نابرابر در صحنه مبادلات، پیوندهای اجتماعی برای تعاون و همکاری را تضعیف می‌کند (شعراء/۱۸۳) و عملاً باعث ایجاد تفرقه می‌شود زیرا کسانی که در اعمال فاسد شرکت می‌کنند، اعتماد ضروری برای همبستگی اجتماعی را از بین می‌برند. بدیهی است وقتی اعضای جامعه منافع فردی را از طریق روش‌ها و ابزارهای فاسد پیگیری می‌کنند، نه تنها انسجام جامعه آسیب می‌بیند، بلکه با شکل‌گیری نظام‌هایی که به رفتارهای غیراخلاقی پاداش می‌دهند، ارزش‌های شایسته سالارانه واقعی را نیز تضعیف می‌کند. هشدار و تقبیح شدید ربا توسط قرآن (بقره/۲۷۸) نشان می‌دهد که چگونه فعالیت‌های فاسد اقتصادی می‌توانند نابرابری را در سطح جامعه ریشه‌دار و گروه‌های محروم را مورد بهره‌کشی مضاعف قرار دهند و از طرفی دیگر با کاهش اعتماد به نهادهای جمعی، سرمایه اجتماعی را از نیز بین ببرند.

مانع دیگر در توزیع عادلانه منابع و ثروت که قرآن به آن هشدار داده است، رشد منفعت‌طلبی‌های شخصی در عرصه اجتماعی و اقتصادی است. افراد ممکن است تحت تأثیر علایق خانوادگی، انگیزه‌های سودگرایانه خود را در پوشش تأمین زندگی توجیه کنند (منافقون/۹). قرآن هشدار که حساسیت به حفظ و افزایش ثروت شخصی ممکن است تعهدات عمیق‌تر به جامعه مؤمنان و رابطه با خداوند را تحت الشعاع قرار دهد. علاوه بر این، انگیزه‌های خودخواهانه مانع موفقیت جمعی می‌شود، زیرا همه افراد به طور یکسان در سعادت جمعی سهیم نیستند و می‌تواند منجر به تضعیف موقعیت و کناره‌گیری کسانی شود که فداکارانه به جامعه کمک می‌کنند و حتی فرصت‌طلبان را بر امور حاکم کند (توبه/۵۸ و مؤمنون/۵۵). پیگیری منافع شخصی اقتصادی با رفتار پرهیزگاران و تقوی نیز در تعارض است و قرآن به مؤمنان هشدار می‌دهد که افزایش این رویه‌ها می‌تواند منجر به نابودی جامعه شود.

اسراف و تبذیر نیز مانع دیگری را برای دستیابی به توزیع عادلانه منابع و ثروت و تحقق

جامعه مطلوب است. نوع تفسیر ثروت و منابع بخشی به مصرف نقش مهمی در شکل دادن به رفتارها در سطح جامعه دارد. دعوت قرآن به مصرف متعادل نشان می‌دهد که زیاده‌روی در مصرف، ارزش منابع را مخدوش می‌کند و هنگامی که افراد دارایی‌های مادی خود را به جای استفاده به جا و مفید به عنوان نمادهای وضعیت و برتری موقعیت نسبت به دیگران می‌بینند منجر به هرزروی منابع و انحراف در رفتارها می‌شوند (اعراف/۳۱). رفتارهای مسرفانه می‌تواند موجب تضعیف پیوندهای اجتماعی بشود، زیرا این رفتارها تفاوت‌های بین افراد مرفه و کم برخوردار را برجسته می‌کند. همچنین رواج فرهنگ اسراف ارزش‌های شایسته سالارانه را با پاداش دادن به تفاخر و تجمل تضعیف می‌کند و اغلب باعث ایجاد نارضایتی و بی‌عدالتی در میان کسانی می‌شود که زندگی خود را از طریق کار صادقانه پیش می‌برند. قرآن چنین رفتارهایی را با عنوان ناسپاسی از پروردگار مورد انتقاد قرار می‌دهد (اسراء/۲۷). تقریباً روشن است که رواج سبک زندگی مسرفانه می‌تواند شکاف‌های طبقاتی و تعارضات اجتماعی را تشدید کند، زیرا هدر دادن منابع توسط افراد مرفه اغلب به ضرر فقرا تمام می‌شود و منجر به احساس بی‌عدالتی، محرومیت نسبی و خشم در میان گروه‌های به حاشیه رانده شده می‌شود.

نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف بررسی جامعه‌شناختی توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها از منظر قرآن کریم و نقشی که این مقوله مهم می‌تواند در شکل‌گیری نوعی جامعه مطلوب بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر قرآن داشته باشد، انجام شده است. در آیات قرآن، عدالت اجتماعی به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادی پیامبران و اهداف اصلی اسلام معرفی می‌شود و توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها نقش کلیدی در تحقق این هدف دارد. نکته‌ای که در آرای بسیاری از صاحب‌نظران حتی از مکاتب فکری متفاوت نیز به آن اشاره رفته است. به عنوان نمونه، جان رالز (۱۹۸۶) در کتاب نظریه عدالت نیز بر لزوم توزیع عادلانه منابع به عنوان پایه‌ای برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه تأکید می‌کند. او معتقد است که نهادهای اجتماعی باید به گونه‌ای طراحی شوند که بیشترین سود را برای محروم‌ترین افراد جامعه داشته باشند (رالز، ۱۹۸۶).

برای ایجاد سطحی از عدالت در وضعیت اقتصادی و اجتماعی، برخی زمینه‌ها و عوامل ایجابی از محتوای قرآن قابل استنباط است. گسترش فرهنگ انفاق و همیاری یکی از عوامل ایجابی در توزیع عادلانه منابع شناخته می‌شود. محمدباقر صدر (۱۴۱۷ق) در کتاب اقتصادنا معتقد است که گسترش فرهنگ انفاق نه تنها به کاهش فقر کمک می‌کنند، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد شبکه‌های حمایتی در جامعه منجر می‌شوند (صدر، ۱۴۱۷). پابندی به پرداخت زکات و خمس یکی دیگر از راهکارهای توزیع عادلانه ثروت است. عبدالله بن یثیه (۲۰۱۳) در کتاب الأبعاد الاجتماعية للزكاة بر نقش زکات در کاهش فقر و نابرابری‌های اقتصادی تأکید می‌کند و معتقد است که در درازمدت گسترش فرهنگ پرداخت زکات به ایجاد جامعه‌ای متوازن و پایدار کمک می‌کنند (بن یثیه، ۲۰۱۳). باور به روزی‌رسانی خداوند یکی دیگر از عوامل ایجابی توزیع عادلانه منابع شناخته شد. مرتضی مطهری (۱۳۷۷) در کتاب عدل الهی بر اهمیت این باور در ایجاد احساس امنیت و اعتماد در میان افراد جامعه تأکید می‌کند و معتقد است که این اعتقاد افراد را به مشارکت هر چه بیشتر در تحقق عدالت اجتماعی ترغیب می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷).

علاوه بر ذکر اقدامات ایجابی، قرآن نسبت به تأثیرات مخرب برخی اقدامات به‌عنوان عوامل سلبی که مانع توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها می‌شوند هشدارهای مکرر داده است. عوامل منفی، مانند انباشت نابرابر ثروت، گسترش فقر و مفساد اقتصادی از موانع اصلی توزیع عادلانه منابع از قرآن قابل شناسایی است. حسن حنفی (۲۰۱۲) در کتاب الفکر الإسلامی فی الاقتصاد با اشاره به این عوامل، بر خطرات انباشت ثروت و گسترش فساد اقتصادی در جوامع اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است که گسترش این عوامل به افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شوند (حنفی، ۲۰۱۲). عیوضلو (۱۳۸۱) نیز در مقاله خود با عنوان «نظریه‌ای در تبیین مبانی نظری توزیع ثروت و درآمد در نظام اقتصادی اسلامی» بر خطرات مفساد اقتصادی و گسترش ربا در افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی تأکید می‌کند و معتقد است که این عوامل به تضعیف همبستگی اجتماعی و ایجاد شکاف‌های طبقاتی منجر می‌شوند (عیوضلو، ۱۳۸۱). گسترش سبک‌های زندگی ناسالم، مانند رفاه‌طلبی و لذت‌جویی افراطی نیز از موانع تحقق عدالت اجتماعی

می باشد. رمضان (۲۰۰۷) بر خطرات سبک‌های زندگی مادی‌گرایانه در جوامع اسلامی تأکید می‌کند و معتقد است که این سبک‌های زندگی به تضعیف ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی منجر می‌شوند (رمضان، ۲۰۰۷).

یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها به تقویت سرمایه اجتماعی کمک می‌کند. این یافته با نظریات پاتنام (۲۰۰۰) همسو است. پاتنام بر اهمیت سرمایه اجتماعی در ایجاد جامعه‌ای منسجم و پایدار تأکید می‌کند و معتقد است که توزیع عادلانه منابع به تقویت اعتماد و همکاری میان افراد جامعه کمک می‌کند (پاتنام، ۲۰۰۰).

با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهادهایی برای دستیابی نسبی عدالت اجتماعی و تحقق توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها می‌توان ارائه نمود.

همان‌طوری که قرآن کریم بر پرداخت زکات و خمس به‌عنوان ابزارهایی برای توزیع عادلانه ثروت تأکید کرده است. پیشنهاد می‌شود که نظام‌های مالیاتی در دولت‌ها و نهادهای اقتصادی اسلامی، فرآیندهای عملی و مدرن خود را حتی‌الامکان با اصول زکات و خمس تطبیق دهند. این نظام‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند بخشی از منابع و ثروت‌های مازاد را از طبقات ثروتمند جمع‌آوری کرده و به شکل قانونمند در میان اقشار آسیب‌پذیر و نیازمند توزیع کنند. این اقدام نه تنها به کاهش فقر کمک می‌کند، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی نیز منجر می‌شود.

چنان‌که ذکر شد، قرآن بر اهمیت قرض‌الحسنه به‌عنوان یکی از راهکارهای حمایت از نیازمندان تأکید کرده است. برای گسترش فرهنگ قرض‌الحسنه، پیشنهاد می‌شود که دولت‌ها و نهادهای مردمی صندوق‌های قرض‌الحسنه را در سطح محلی و ملی و با نظارت دقیق بر فعالیت آن‌ها ایجاد کنند. این صندوق‌ها می‌توانند به افراد کم‌درآمد کمک کنند تا کسب‌وکارهای کوچک راه‌اندازی کنند و به تدریج از چرخه فقر خارج شوند.

همچنین پیشنهاد می‌شود که دولت‌ها قوانین سخت‌گیرانه‌تری برای مقابله با فساد اقتصادی و شبکه‌های مافیایی فساد وضع کنند و نهادهای نظارتی مستقل ایجاد شوند تا از سوءاستفاده از منابع عمومی جلوگیری گردد. این اقدامات به کاهش نابرابری‌های اقتصادی و افزایش اعتماد عمومی به رویکردهای اقتصادی دولت‌ها کمک شایانی

می‌کنند.

همچنین پیشنهاد می‌شود که نهادهای آموزشی، مذهبی و رسانه‌ها برنامه‌هایی با چارچوب‌های جدیدتر و متناسب با تحولات فکری و هنری برای ترویج هرچه بیشتر فرهنگ انفاق و همیاری در جامعه طراحی کنند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش‌های دینی، کمپین‌های تبلیغاتی، و تشویق افراد به مشارکت در فعالیت‌های خیریه باشند.

قرآن کریم بر اهمیت کسب درآمد حلال و مدیریت صحیح منابع مالی تأکید کرده است. پیشنهاد می‌شود که نهادهای دینی و حوزه‌های علمیه با کمک نهادهای آموزشی و رسانه‌ای، برنامه‌هایی برای آموزش مالی و اقتصادی صحیح به افراد جامعه طراحی کنند. این برنامه‌ها می‌توانند شامل آموزش‌های مربوط به مدیریت مالی شخصی، سرمایه‌گذاری اخلاقی و راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک باشند. این آموزش‌ها به افراد کمک می‌کنند تا از منابع مالی خود به صورت بهینه استفاده کنند و از فقر جلوگیری کنند.

در مجموع، توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها نیازمند همکاری همه‌جانبه دولت‌ها، نهادهای مردمی، و افراد جامعه است. تحقیق حاضر نشان می‌دهد که قرآن کریم به عنوان یک منبع غنی از آموزه‌های اسلامی، اصول و راهبردهایی را برای توزیع عادلانه منابع و ثروت‌ها ارائه می‌دهد. این آموزه‌ها نه تنها به کاهش فقر و نابرابری‌های اقتصادی کمک می‌کنند، بلکه به تقویت همبستگی اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای متوازن و پایدار منجر می‌شوند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، این آموزه‌ها می‌توانند به عنوان چارچوبی برای تحلیل مسائل اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به آموزه‌های قرآن پیشنهادهای ارائه شده در این بخش می‌توانند به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و پایدار کمک کنند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابونوری، اسماعیل، خوشکار، آرش و داودی، پدram. (۱۳۸۷ش). شاخص‌های توزیع درآمد در میان کشورهای اسلامی. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۳. بن بیه، عبدالله. (۲۰۱۳م). الأبعاد الاجتماعية للزكاة. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. چیت‌ساز قمی، محمدجواد. (۱۳۷۵ش). عوامل فرهنگی مساعد توسعه اقتصادی در قرآن با تکیه بر

المیزان. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

۵. حنفی، حسن. (۲۰۱۲م). *الفکر الإسلامی فی الاقتصاد*. نجف: المركز الإسلامی للدراسات الاستراتيجية.

۶. زکریا، عماد. (۲۰۱۵م). *العدالة الاجتماعية فی الإسلام*. تهران: دارالفکر.

۷. صدر، محمدباقر. (۱۳۵۸ش). *نهادهای اقتصادی اسلام*. تهران: انتشارات بدر.

۸. صدر، محمدباقر. (۱۳۹۰ش). *الاقتصاد الإسلامی*. قم: دارالتعارف للمطبوعات.

۹. صدر، محمدباقر. (۱۴۱۷ق). *اقتصادنا*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

۱۰. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۳ش). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بی‌جا: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۱۱. عیوضلو، حسین. (۱۳۸۱ش). *نظریه‌ای در تبیین مبانی نظری توزیع ثروت و درآمد در نظام اقتصادی اسلامی*. تهران: پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی.

۱۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳ش). *عدالت اجتماعی در اسلام*. تهران: صدرا.

۱۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷ش). *عدل الهی*. تهران: صدرا.

۱۴. میرسندسی، سید محسن. (۱۳۹۹ش). *عوامل مؤثر بر هنجارسازی فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم*. تهران: آموزه‌های قرآنی.

15. Alatas, Syed Farid. (2005). *Islam and Modernization*. Singapore: ISEAS Publishing.
16. Barry, Brian. (1989). *Theories of Justice*. London: London School of Economics and Political Science.
17. Gurvitch, Georges. (1972). *Encyclopedia of Social Sciences*. New York: Macmillan.
18. Hecht, K. (2017). *A Sociological Analysis of Top Incomes and Wealth*. London: London School of Economics and Political Science.
19. Putnam, Robert D. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon & Schuster.
20. Ramadan, Tariq. (2007). *In the Footsteps of the Prophet: Lessons from the Life of Muhammad*. Oxford: Oxford University Press.
21. Rawls, John. (1986). *A Theory of Justice*. Oxford: Oxford University Press.